

# قرآن، نظام احسن و سبک زندگی

## در عصر تکنولوژی\*

□ غلامعلی مقدم<sup>۱</sup>

### چکیده

امروزه یکی از بحران‌های جدی در جوامع انسانی، مسأله سلطه تکنولوژی و سبک زندگی است. این مسأله، به‌ویژه در برنامه زندگی دینی که با محدودیت‌هایی روبروست، جدی‌تر است. فضای مجازی، بر ابعاد مختلف فکری و عملی جامعه و سبک زندگی افراد تأثیر گذاشته است. قرآن و معارف دینی، با طرح نظام احسن در تکوین و تشریح و انطباق آن دو با هم، تعدی از مرزهای شریعت را مایه اختلال و اختلال در سعادت دنیوی و اخروی دانسته و منشأ نابسامانی در جهان و انسان معرفی کرده‌اند. آیا می‌توان مبتنی بر این ارشاد قرآنی و استدلال عقلی، به ممنوعیت و حرمت وجه افراطی استفاده از این فضا حکم کرد؟ ادله این حکم چیست؟ و چه نمونه عینی برای آن می‌توان ذکر کرد؟ این مقاله با روشی تحلیلی به این مسأله پرداخته و پس از تبیین چیستی و ضرورت نظام احسن، پی‌گیر اثبات این فرضیه‌ها بوده است: ۱. نظام عالم در حوزه تشریح و تکوین، نظام احسن است؛ ۲. هر گونه اختلال در نظام احسن، به حکم عقل و شرع ممنوع است؛ ۳. ارتباطات و فضای مجازی در وجه افراطی خود، از مصادیق این تغییر خلقت و اختلال نظام به شمار می‌آید؛ ۴. اختلال در نظام

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۸.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (Gh1359@gmail.com).

خانواده، نمونه‌ای مصداقی از وجه افراطی این فضا است و در مسائلی چون تهدید کانون خانواده، افزایش بی‌اعتمادی و سوء ظن، گسترش شایعات و تاراج آبرو، اشاعه فساد و فحشا، تحریک غریزه جنسی، معارضه با غیرت مردانه و حساسیت زنانه، دشواری اطاعت از احکام دینی و... نقش دارد.

**واژگان کلیدی:** چستی نظام احسن، ضرورت نظام احسن، تکنولوژی ارتباطات، اختلال در نظام احسن، پیامدهای فضای مجازی.

### مقدمه

دین، داعیه‌دار مدیریت همه جانبه جهان و انسان است. منظومه معرفتی حاصل از قرآن و روایات، شناخت، جهان‌بینی و برنامه عملی لازم برای سعادت را ارائه کرده است. امروزه در مواجهه با تغییرات حاصل از تکنولوژی و فضای مجازی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فرهنگی در جامعه دینی، تعریف، تشخیص و تصمیم برای انتخاب سبک زندگی است.

حدود تسلیم در برابر این تغییرات و مرز مشروع و معقول اقدام به آنها، مسأله مورد مطالعه ما در این مقاله است. آیا می‌توان با تکیه بر نظام احسن قرآنی و به پشوانه مؤیدات عقلی، استدلالی بر قبح و ممنوعیت یا حرمت شرعی استفاده افراطی از فضاهاى مجازى اقامه کرد؟ به منظور دستیابی به پاسخ مناسب و هدف مطلوب، در این مقاله به شیوه تحقیق کتابخانه‌ای و روش تحلیلی، در ابتدا با مراجعه به آیات قرآن و منابع تخصصی، چستی نظام احسن از دیدگاه قرآن را تبیین می‌کنیم. آنگاه به کمک استدلال عقلی، طرح نظام احسن قرآنی و ضرورت آن را اثبات نموده و نشان می‌دهیم که نظام موجود، بهترین نظام ممکن در مقام فرض و احتمال است.

در ادامه با استناد به ادله نقلی و استدلال عقلی، حرمت اختلال در نظام احسن آفرینش را اثبات می‌نماییم. سپس، با ذکر مقدماتی چون جهت‌داری فضای مجازی و تفاوت مقام کشف و استعمال، وجه افراطی فضای مجازی را به عنوان یکی از مصادیق اختلال جدی در نظام روابط طبیعی انسان و جهان، معرفی نموده و با ذکر نمونه عینی در نظام خانواده، نشان می‌دهیم که چگونه با کمک ادله عقلی و نقلی پیشگفته،

می‌توان به ممنوعیت و حرمت استفاده از برخی ابعاد تکنولوژی ارتباطات و فضای مجازی حکم کرد.

در این مقاله، نشان می‌دهیم که چگونه تکنولوژی با رشد سرسام‌آور خود، به‌ویژه در بُعد ارتباطات، در بستر تحقق آرمان‌های الهی و دینی اخلال و اختلال ایجاد کرده و رواج افراطی آن به مثابه آفت در دینداری جلوه‌گر شده است. این اخلال‌گری، البته منحصر به حوزه دین نیست و به منزله رشد ناهنجار یکی از اندام‌ها، دیگر ابعاد را نیز تحت شعاع قرار داده است. از روز پیدایش تلویزیون که امکان گفت و گو و همدلی و ارتباط میان انسان‌ها در اوقات فراغت را محدود می‌کرد، برخی متفکران به پیامدها و عواقب سوء آن هشدار داده و آثار مخرب آن را بر افراد و جامعه تبیین کردند. امروزه این رسانه، در قالب‌های نو و با رشدی سرسام‌آور، همه زوایا و خفایای زندگی انسان را در نور دیده و به شئون مختلف انسان و سبک زندگی او حمله کرده است: «با اختراع تلویزیون و پیشرفت فنی آن و نیز اختراع تله اسکرین که هم فرستنده است و هم گیرنده، فاتحه حریم زندگی خوانده شده است» (پستمن، ۱۳۸۶: ۴۳).

به نظر نگارنده، گسترش افراطی تکنولوژی ارتباطات و سلطه فضاهای مجازی را باید نوعی خروج از مرزهای تکوین و تشریح تلقی کرد. از آنجا که نظام عالم در دو بُعد تشریح و تکوین، قائم به قسط و عدل است، این خروج نوعی تعدی و تجاوز و مصداق ظلم به شمار می‌آید و به حکم عقل و نقل ممنوع می‌باشد: «خداوند فرمان به عدل و احسان می‌دهد و از فحشاء و منکر و ظلم و ستم نهی می‌کند» (نحل: ۹۰).

### الف. چیستی نظام احسن

مسأله نظام احسن و احسن الخالقین بودن خداوند، از نصوص قرآن کریم بوده (مؤمنون: ۱۴) و از پشتوانه استدلال عقلی و نقلی برخوردار است. اما تعریف حقیقی و بیان چیستی اشیاء مبنی بر احاطه علمی بر خصایص ذاتی آنهاست و متناسب با عمق و پیچیدگی ساختار وجودی آنها، تعریف نیز دشوارتر می‌شود. از این رو، با توجه به محدودیت قوای ادراکی انسان در درک کامل حسن و قبح‌ها و مصالح و مفاسد و

معیارهای خیر و شر و اختلاف در آنها، تعریف دقیق و کامل نظام احسن به نحو تعریف حقیقی و حدّ تام بسیار دشوار است.

پس تبیین چستی نظام احسن، به معنای ارائه تعریف حدّی و بیان ذاتیات این نظام به نحو دقیق نیست. چنین تعریفی مبتنی بر علم و احاطه تام به تمام ویژگی‌های نظام احسن است که از حوزه دانش بشری فراتر است، در عین حال برخی از روشن‌ترین خصایص این نظام را که عقل به استقلال یا به ارشاد شریعت، قادر به درک آنهاست می‌توان به عنوان تعریف رسمی از نظام احسن ذکر نمود. در این تعریف، از محورهای مختلفی چون حکمت الهی، عدالت، قدرت، اتقان صنع، نظم، کمال ذاتی، کمال فعلی، حسن و قبح، مصالح و مفاسد، مسأله شرور، عنایت ازلی و... می‌توان استفاده کرد.

عقل، مصادیق بارز برخی از این ویژگی‌ها را درک نموده و در سنجش و داوری و تعریف نظام احسن از آنها استفاده می‌نماید. با ذکر این مفاهیم روشن، می‌توان دورنمایی از چستی این نظام را ترسیم کرد. طبیعی است که به تعدّد مفاهیم بکار آمده، تعاریف مختلف از نظام احسن نیز حاصل خواهد شد. در تعریفی رایج، مراد از نظام احسن این است که جهان در بهترین وضعیت ممکن خلق شده و اجزای آن به نحو حکیمانه در جایگاه مناسب و شایسته خود قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که وجود، کمالات و ترتیبی بهتر از آنچه هست، برای آنها تصور ندارد.

از این رو، حکمت و عدالت از ویژگی‌های این نظام در تبیین چستی آن به شمار آمده است: «آفرینش جهان و انسان، دارای هدف حکیمانه می‌باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲/۳۹۸). چنانکه با توجه به مفهوم مصلحت و خیر نیز می‌توان چستی نظام احسن را تبیین نمود. اصل وجود و خصوصیات و جایگاه هر موجودی در این نظام، مشتمل بر بالاترین مرتبه مصلحت و خیر برای آن وجود و سایر موجودات است. نظام احسن، نظامی است که مشتمل بر بیشترین خیر و کمال برای اجزاء و مجموعه عالم و منشأ تحقق کمالات وجودی بیشتر و بالاتری باشد. در تعبیر حکما، منشأ این خیر و کمال وجودی، عنایت نامیده می‌شود (زنوزی، ۱۳۶۱: ۳۸۰). همچنین، علم الهی در تحقق و کیفیت این نظام مؤثر است. نظام احسن، تحقق نقشه علمی جهان در ذات حق است.

از این رو در برخی تعاریف، علم خداوند در ایجاد نظام احسن و عالم اتقن که در آن کمال موجودات، متناسب با استعداد و قابلیتشان به آنها اعطا شود، نقشی محوری دارد: « واجب است که عالم، براساس علم الهی و طبق نظام احسن باشد» (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۳/۳۱۸). همه حقایق و امور تکوینی جهان، برخاسته و مبتنی بر علم و قدرت بی‌نهایت حق تعالی است. نقص در نقشه علمی و ضعف در تحقق تکوینی جهان در عالم خارج، به نقص و کاستی در ذات خداوند و ابطال صفات او خواهد انجامید، خداوند ذاتاً عالم به نظام خیر و علت تحقق این نظام می‌باشد، لذا نظام خیر و احسن را به بهترین وجه ممکن تعقل نموده و ایجاد می‌نماید (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۴۱۵؛ ابن سینا، ۱۴۰۵: ۳۲۰).

به نظر می‌رسد اجتماع این خصایص و ویژگی‌ها در تعریف نظام احسن، با هم منافات نداشته و همه آنها را می‌توان به نحو جامع و همسو در تبیین چستی نظام احسن به کار گرفت. بنابراین، نظام احسن نظامی است مبتنی بر عدالت و حکمت و نظم که بر اساس آن هر موجودی در جایگاه شایسته خود قرار گرفته، برترین بهره از کمال و خیر را دارا بوده و در راستای مصالح عمومی نظام و کمال نهایی به کار گرفته شده است.

این ویژگی‌ها، منحصر در نظام احسن عالم تکوین نبوده و نظام احسن تشریح را نیز شامل می‌شود. قوانین نظام تشریح عادلانه، مبتنی بر علم و حکمت الهی به مصالح و مفاسد خفیه و در راستای رسیدن به بالاترین درجه خیر و کمال تدوین شده است، مبتنی بر توحید در خالقیت و تشریح، خالق و قانونگذار عالم هستی، واحد و منحصر در حق تعالی است، لذا از وحدت آفریدگار و قانونگذار می‌توان هماهنگی میان دو نظام تکوین و تشریح را نتیجه گرفت. با این نگاه در واقع قانونگذاری، بیان خواص و ذاتیات اشیاء و احکام و لوازم وجودی آنها در خود و در ارتباط با دیگران است. قوانین اعتبار شده در تشریح، مانند خود نظام احسن، منطبق بر مصالح و مفاسد ذاتی موجودات است. همه قوانین و برنامه‌های الهی درباره جهان و انسان، به نحو دقیق تابع این معادله است. قوانین الهی، مجموعه دستوراتی است که مطابق با ویژگی‌های ذاتی هر موجودی باید در محدوده روابط آن موجود با سایر موجودات مراعات گردد. پس

عالم تکوین نظام احسن و نظام تشریح، بیان روابط و خصوصیات حاکم بر آن نظام به نحو احسن است.

این انطباق در همه عرصه‌های دین چون عقاید، احکام و اخلاق وجود دارد. قواعد اخلاقی نیز مانند شریعت، اعتباریات منطبق بر تکوین بوده و ریشه در آن دارند: «خوب و بد... از قبیل مفاهیم فلسفی اند که منشأ انتزاع خارجی دارند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۸۰). این انطباق و ریشه‌داری، بسیار دقیق و عمیق است و جعل و حتی فهم کامل آن در حوزه قدرت و علم انسان نیست. انسان به تمام خصایص وجود خود و جهان آگاه نیست و هرگز قادر نخواهد بود آثار و لوازم قریب و بعید قوانین موضوعه را ارزیابی کند. اما در مقام تعریف و تبیین چیستی، می‌توان نظام احسن تکوین و تشریح را منطبق بر هم و مشتمل بر ویژگی‌هایی روشن و قابل فهم چون عدالت، حکمت، خیر، مصلحت و... تعریف کرد. البته چنانکه گفتیم، در همه این معیارها، تشخیص جزئیات و مصادیق خفی از عهده عقل خارج و به مدد وحی امکان‌پذیر است.

### ب. ضرورت نظام احسن

ضرورت نظام احسن به دو روش استدلال اِنّی و استدلال لِمّی قابل اثبات است: استدلال اِنّی، پی بردن از معلول به علّت است و از طریق بررسی موجودات جهان و نظم، هماهنگی پایدار، اتقان صنع و دقّت و ظرافت نظام حاکم بر آنها اقامه می‌شود. در این برهان، از تأمل و تفکر در آیات الهی به احسن بودن نظام جهان حکم می‌شود. متکلمین و حکما از این استدلال بر اثبات نظام احسن استفاده کرده‌اند:

«دلیل نظام احسن آن است که مشاهده می‌کنیم موجودات با یکدیگر ارتباط دارند و از هم نفع می‌برند و هر کدام به سوی کمال شایسته خود حرکت می‌کند و هر موجودی در مرتبه پایین، برای رسیدن به مراتب بالاتر تلاش می‌کند و این توجه و تلاش به نحو فطری و غریزی در ذات آنها نهاده شده است و موجودات عالی و برتر، به موجودات مادون عنایت و عطوفت دارند و عقول و نفوس مادون خود را تدبیر و به بهترین نحو و محکم‌ترین شیوه می‌پروراند تا به کمال نهایی و غایت شایسته خود در این نظام برسند» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۱۱۷/۷).

برهان لمّی، از طریق تأمل در علت و صفات کمالی او اقامه می‌شود. با توجه به صفات کمالی خداوند نظیر علم مطلق، قدرت مطلق، فیاضیت مطلق، خیرخواهی و... نظام عالم باید در نهایت اتقان و کمال و نظام احسن باشد، خداوند از هر نقص و عیب عاری است. نفی ضرورت نظام احسن، به معنای پذیرش نظام ناقص و ورود نقص و عجز و ضعف و بخل در ذات و منافی با وجوب وجود است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۲۱/۷). بنابراین، اثبات نظام احسن و محال بودن تحقق نظام ناقص از حق تعالی، ضروری بودن صدور نظام احسن را نیز اثبات خواهد کرد. عالم هستی در همه مراتب خود، مخلوق خداوند واحد است. آفریننده همه کمالات، وجود را به نحو اعلی و اتم دارا می‌باشد. عالم مطلق، قادر مطلق، حکیم، عادل، خیرخواه، مهربان بخشنده و غنی بالذات است، به عالم ممکنات علم ذاتی دارد و این علم ذاتی، علت ماسوای اوست، پس فعل او بر اساس علم ذاتی و نقشه علمی عالم در ذات حقّ او محقق می‌شود (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۱۲۸/۲).

حال اگر جهان بهترین وضعیت ممکن را دارا نباشد، باید دید دلیل و علت آن چیست و این کمبود از کجا ناشی شده است. نقص گاهی ناشی از عدم احاطه و علم کامل به مصالح و مفاسد احتمالی است که بنابر علم ذاتی، مطلق و بی‌نهایت خداوند چنین فرضی ممکن نیست، گاه برخاسته از عجز و ناتوانی است. این فرض نیز، با فرض قدرت مطلق و بدون معارض خداوند قابل فرض نیست. با وجود علم و قدرت، منع کمال احسن شاید به جهت حسادت و بخل نسبت به نظام احسن باشد. با توجه به رحمت و وسع و فیاضیت مطلق خداوند، این فرض نیز درست نخواهد بود. به همین ترتیب، می‌توان سایر علل و عوامل نقص و کاستی را استقرا نموده و از مبدأ هستی نفی کرد. علم حق تعالی، کامل‌ترین علم به نظام هستی است و هیچ مانعی در وجود حق تعالی برای جلوگیری از تحقق علم حق راه ندارد. جهل، بخل، عدم محاسبه، ضعف و عجز از اجرا، نوعی نقص و فقدان است و با ذات کامل واجب سازگار نیست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۲۱/۷).

پس فرض جهان، بهتر از جهان موجود به معنای وجود نقص و کاستی در این جهان است و و ریشه هر نوع نقصی در جهان، به نقص و عیب در علم ذاتی یا قدرت ذاتی یا حکمت ذاتی خداوند منجر خواهد شد. از آنجا که صفات خدا، عین ذات

خداوند است، فرض نقص در صفات، به نقص در ذات خداوند منجر خواهد شد و نقص و عدم در ذات خداوند با واجب الوجود بودن و اشتغال بر کمالات وجودی ناسازگار است: «دلیلی ندارد که خداوند، جهان را طوری بیافریند که برخلاف وضع احسن و اصلح باشد» (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۱۳/۱). پس خداوند، از سویی دارای کامل‌ترین علم به نظام است و از طرفی، هیچ مانعی برای تحقق کامل‌ترین نظام برای او وجود ندارد و آنچه صادر شده، بهترین نظام است.

با این بیان، روشن شد که چگونه فرض جهان بهتر به نفی صفات ذاتی خداوند و نقص در ذات خدا منجر خواهد شد. از این روست که می‌توان ادعا کرد جهان موجود، بهترین جهان ممکن و نظام احسن الهی است و هر موجودی در حالت طبیعی خود با هر خصوصیتی در هر مرتبه از هستی، در بهترین وضعیت ممکن و برترین جایگاه محتمل قرار گرفته است.

در معارف دینی نیز، جهان موجود برترین جهان معرفی شده است. این قاعده، از پشتوانه فلسفی و عقلی برخوردار است. متکلمان و فلاسفه اسلامی در تبیین و اثبات آن به تفصیل بحث کرده و به اعتراضات و اشکالات وارده بر آن پاسخ گفته‌اند (استرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۸۲/۲؛ ابن سینا، ۱۴۰۰: ۲۵۰؛ طوسی، ۱۳۷۵: ۳/۳۱۸؛ شیرازی، ۱۹۸۱: ۳۴۳/۹؛ همو: ۱۲۸/۷؛ سبزواری، ۱۳۷۹: ۳/۶۱۰).

### ج. منع اختلال در نظام احسن

از مباحث گذشته، این نتیجه حاصل شد که جهان تکوین بهترین نظام ممکن و جهان تشریح، برترین قانون قابل دسترسی برای بشر است و این دو نظام، به دقت و ظرافت بر همدیگر منطبق هستند. به واقع نظام تشریح، انعکاس خصائص ذاتی و اسرار موجودات تکوین و روابط میان آنهاست که از علم خداوند نشأت گرفته است: «آیا آن خدایی که خلق را آفریده است، دانا نیست» (ملک: ۱۴)، «فرقان را کسی نازل کرده که اسرار زمین و آسمان را می‌داند» (فرقان: ۶). اکنون می‌خواهیم بدانیم با فرض پذیرش این مقدمات، آیا می‌توان ممنوعیت عقلی اختلال و حرمت شرعی اختلال در این دو نظام به هم وابسته را ادعا کرد.



## ۱. قرآن و نفی تغییر در تکوین و تشریح

قرآن کریم، خداوند را خالق و قانونگذار احسن در عالم معرفی کرده است. به فرموده قرآن، عالم هستی به تمام شئون و ابعاد خود، صبغه و رنگی الهی دارد (بقره: ۱۳۸). صبغه الهی، همان آفرینش و ساختار ذاتی و فطری جهان است که در نهاد اولیه همه موجودات عالم نهاده شده است (مطهری: ۴۶۳/۳). در آفرینش انسان، خداوند خود را احسن الخالقین نامیده است: ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (مؤمنون: ۱۴)، چنانکه خلقت انسان را به بهترین قوام یاد کرده است: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ (تین: ۴). در حوزه تشریح نیز، حکم خویش را بهترین و محکم‌ترین حکم نامیده است: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا﴾ (مائده: ۵۰)، چنانکه قرآن را که برنامه سعادت دنیوی و اخروی است، به قول اقوام توصیف کرده است: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (اسراء: ۹) و حکم و داوری خود را که مبتنی بر قوانین عدل الهی است، محکم‌ترین حکم می‌خواند: ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾ (تین: ۸) ﴿وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ﴾ (هود: ۴۵). هر گونه تغییر و تبدیل در نظام تشریح را نفی کرده و بر ثبات قوانین خویش صحه گذاشته و از قوانین ثابت و ضروری عالم به سنت‌های ثابت و لا یتغیر الهی تعبیر می‌کند. می‌توان این سنت‌های الهی را، ناظر به عالم تشریح و قانون‌گذاری تفسیر کرد: ﴿فَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (فاطر: ۴۳) سنت‌هایی که محدودیت زمان و مکان و قالب نداشته و با جهان و انسان در طول و عرض وجود او همراه هستند: ﴿سُنَّتِ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ﴾ (غافر: ۸۵).

تغییر در امور تشریحی نیز، از این آیات قابل برداشت است. چنانکه در برخی تفاسیر شیعه و سنی، آیه به تبدیل دین خدا و تحریم حلال و تحلیل حرام تفسیر گردیده است: «مراد از آیه این است که دین خدا را تغییر دهند. از امام صادق علیه السلام نیز چنین روایت شده است و مؤید آن آیه ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾ (است) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۷۳/۳)، «دین الله بتحریم الحلال و تحلیل الحرام و یشهد له قوله تعالی ﴿لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾» (جصاص، ۱۴۰۵: ۲۶۸/۳). قرآن نیز بارها از تحریف شریعت و کلام خود سخن گفته، تحریف کنندگان را مورد لعن قرار داده یا به ظلم و کذب و افترا متصف نموده است: ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ... لَعَنَهُمُ اللَّهُ

يَكْفُرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٤٦﴾ (نساء: ۴۶) ﴿يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ﴾ (بقره: ۷۵)،  
 ﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ  
 وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ﴾ (ال عمران: ۷۸)  
 بی شک دروغ بستن بر خداوند مصداق کامل ظلم و تعدی و تجاوز در نظام تشریح و  
 اختلال در ارکان آنست و از این جهت حکم به حرمت آن روشن است. ﴿فَمَنْ افْتَرَى  
 عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (ال عمران: ۹۴) ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ  
 افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ (انعام: ۲۱) ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ  
 بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (انعام: ۱۳۴).

## ۲. ترجیح مرجوح بر راجح و انکار علم و حکمت خداوند

مبتنی بر حکم عقل به کمال ذاتی و علم و رحمت واجب الوجود، می‌توان ادعا کرد که تغییر ساختاری و جدی در جهان خلقت ممنوع است. اگر وضعیت موجود برترین و بهترین وضعیت ممکن باشد، هرگونه تغییر و دستکاری جدی و بدون مرجح که آن را از وضعیت عالی و برتر خود خارج کند، انکار علم و حکمت مطلق الهی و ترجیح مرجوح بر راجح است و عقل، عرف و سیره عقلا آن را نفی می‌کند. روابط و نسب حاکم بر جهان و قوانین حاکی از آن، خود از لوازم نظام احسن است و هرگونه دخالت شدید در حالت یا صفت یا چینش طبیعی در نظام احسن، بدون ترجیح و هماهنگی با مسیر و اهداف کلی نظام و بدون اجازه در نظام دین و تکوین، محکوم به حرمت و ممنوعیت عقلی و شرعی است.

البته بحث فعلی ما، در مصادیق اختلال و تعیین یا شمارش آنها نیست. اینکه چه مواردی، مصداق اختلال و تغییر و تبدیل خلقت الهی است، نیازمند بحث‌های تفصیلی در فقه، کلام، تفسیر و... است. طبیعی است که در تشخیص مصادیق اختلال، اختلاف نظر وجود داشته باشد. فعلاً بحث ما در این قسمت کبروی است، یعنی بر فرض اینکه کاری مصداق اختلال در نظام و تغییر خلقت به حساب آید، می‌توان به ممنوعیت عقلی یا حرمت شرعی و ملازمهٔ میان آنها حکم کرد.

از طرفی، هرگونه دخالت و دستکاری در تکوین و تشریح، تغییر خلقت و اختلال

نیست. تغییرات جزئی که لازمه زندگی طبیعی در عالم تکوین است، خود بخشی از نظام طبیعی جاری در آن است. همچنین، تغییرات بزرگ تر که می توان جوازی از ناحیه شارع یا عقل برای آن پیدا کرد، یا همسوی با جهان تکوین و تشریح انجام می شود، یا با ساز و کارهای مآذون از سوی شارع در قوانین و احکام ثانویه پدید می آید و استثناهایی که ساختار حاکم بر جهان و انسان را تحت تأثیر قرار نمی دهد، از موضوع اختلال تخصصاً یا تخصیصاً خارج است.

با توجه به حکم عقل به علم و حکمت خداوند، اگر چیزی مصداق صریح اختلال در نظام احسن تلقی شود به حکم عقل، ممنوع و به حکم شریعت، حرام خواهد بود. تغییر و اختلال یا تحریف و تبدیل و برخی مصادیق آن، در قرآن کریم مورد اشاره و در مباحث تفسیری و فقهی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. مفسرین و فقها در ذیل آیه شریفه ﴿لَا مَرْتَبَهُمْ فَلَئِنَّ بَعْضَ خَلْقِ اللَّهِ﴾ (نساء: ۱۱۹) با توجه به روایات، مصادیقی از این تغییر را ذکر و برخی به حرمت آنها فتوا داده اند، اگرچه به طور طبیعی در حدود و ثغور و میزان و مصادیق استفاده حرمت از آیات و روایات و استناد احکام به آنها، اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد (محسنی، ۱۴۲۴: ۱۷/۲). ما اکنون، در پی بحث تفصیلی فقهی و قضاوت و داوری در این باره نیستیم. هدف، نشان دادن استناد فقها در حرمت مصادیق به تغییر خلقت احسن و آیه شریفه است. ما در آینده، وجه افراطی تکنولوژی ارتباط در فضای مجازی را از مصادیق تغییر در ساختار خلقت، معارض با اهداف الهی و ملازم با انکار علم و حکمت الهی معرفی خواهیم کرد: «بزرگترین خیانت تکنولوژی مهار نشده، دستکاری طبیعت است... و پیش فرض آن این است که خدا، حکیم و علیم نبوده است» (مطبع، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

### ۳. قبح عقلی ظلم و تعدی از نظام احسن

علاوه بر این، با عنایت به همین شیوه قرآنی و تعریف عدل و ظلم، می توان به نحو دیگری، حرمت عقلی تغییر و اختلال در نظام را تقریر کرد:

با اثبات نظام احسن و جایگاه طبیعی و ضروری موجودات در آن و با عنایت به دو مسأله دیگر، یکی تعریف عدل و دیگری مسأله حسن و قبح ذاتی اشیاء و تساوی ظلم و

قبح با حرمت، می‌توان حرمت تغییر موجود احسن را در نظام اثبات نمود. در تعریف عدل، معمولاً دو معنا گفته می‌شود که یکی «اعطاء کل ذی حقّ حقّه» و دیگری «وضع کلّ شیء فی موضعه» می‌باشد. با نظر دقیق‌تر، معلوم می‌شود که معنای نحوی، همان معنای دوم است و معنای اول به آن قابل ارجاع می‌باشد، زیرا اعطای حقّ ذی حق، به نوعی قرار دادن شیء در موضع شایسته خویش است. پس قرار دادن هر چیز در جای خود، عدل و خارج کردن هر چیز از جای خود، ظلم و تعدی است.

با این تعریف و با پذیرش نظام احسن به حکم عقل، هرگونه تغییر و دگرگونی و خارج کردن اشیاء از موضع شایسته، ظلم و تعدی و تجاوز به‌شمار رفته و به حکم عقل، امری قبیح و ناشایست و ممنوع می‌باشد. دو عنوان عدل و ظلم، شاید قوی‌ترین مصداق مورد اتفاق در مسأله حسن و قبح ذاتی اشیاء باشد، لذا هر تعدی و تجاوز و تغییر در نظام، خروج اشیاء از جایگاه و مصداق ظلم و تعدی و فساد و ضرر است و به حکم عقل باید از آن اجتناب کرد. بنابراین، هر نوع دخالت و جابجایی و تغییر و تعدی و تجاوز و خروج از وضعیت طبیعی و حالت شایسته، ظلم و قبیح و حرام است. اگر دخالت افسار گسیخته تکنولوژی ارتباطات در نظام جهان و انسان، مصداق چنین اختلالی باشد، با همین استدلال عقلی می‌توان به حرمت آن فتوا داد.

#### ۴. ممنوعیت و حرمت استعمال افراطی

اسلام، علی‌رغم ترغیب به تحقیق و کشف قوانین عالم، محدودیت‌هایی در استفاده از محصولات و دستاوردهای علمی وضع نموده است. در مقام استعمال، تعارض میان مبانی و برنامه‌های دینی و برخی دستاوردهای علوم تجربی یا انسانی ممکن است. از این جهت، برای اهل تخصص و تحقیق مانعی برای کشف و دانایی نسبت به آنها وجود ندارد، اما آگاهی و استفاده از همه علوم و دستاوردهای آنها، برای همه انسان‌ها مناسب نیست. آیا معقول است که تمام مواد شیمیایی کشف شده و خصوصیات آنها، در اختیار همه انسان‌ها قرار گیرد، حتی آگاهی از این خصوصیات نیز به حسب تأثیر زیادی که در زمینه‌سازی برای انحراف و اضرار دارد، منطقی به نظر نمی‌رسد. شاید

ترکیب برخی مواد ساده اطراف ما، موجب بروز آثار عجیب شیمیایی باشد، اما لازم نیست فرمول این ترکیب در اختیار همه قرار گیرد. حرمت حفظ، نگهداری، استفاده عمومی، تعلیم و تعلم کتب ضالّه و علوم غریبه در احکام اسلامی و تحریم ساخت سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای و... شاید نمونه‌ای از این تدبیر بخردانه در مدیریت فرهنگ و اجتماع، در نظام احسن تشریح باشد.

کاربرد و استفاده بی‌حدّ و مرز از تکنولوژی نیز، از این قاعده مستثنی نیست. اگر روزی انسان به خصوصیتی در امواج و پرتوهای نوری دست پیدا کند که بتواند از راه دور، به نحو غیر مستقیم و بدون ابزارهای فیزیکی، به همه محیط‌های خصوصی انسان‌ها وارد شده و از آنجا اصوات یا تصاویر یا فیلم‌هایی را ضبط و ارسال کند، آیا لازم است استفاده از این تکنولوژی فراگیر شده و در اختیار همه قرار گیرد؟ در این وضعیت، نظام‌ها و ساختارهای اجتماعی، مراتب اجتماعی افراد و شئون آنها، رهبران جوامع، شخصیت‌های برجسته که در هر ملت زندگی آنها از درجه‌ای از اهمیت و احترام برخوردار است، چه وضعیتی پیدا خواهند کرد؟ و اساساً چیزی به عنوان محیط خصوصی، اسرار فردی، حرمت، احترام، اخلاق، حمیت، غیرت و... باقی خواهد ماند؟ «سردرگمی، از این جا ناشی می‌شود که مشخص نیست انسان در خدمت صنعت و تکنولوژی است یا برعکس» (جابری، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

با توجه به مقدمات پیشگفته، تعدی و تجاوز و عبور از برخی مرزهای عملی در حوزه استعمال و کاربرد و ابزارهای جهت‌دار، به دلیل اینکه در ساختارهای فطری و ذاتی تکوین و قواعد ضروری تشریح که هر دو بر هم منطبقند، اختلال ایجاد می‌کند به حکم عقل بر قبح ذاتی ظلم و حکم شریعت بر حرمت تغییر خلقت، ممنوع و حرام خواهد بود. مصادیق این دگرگونی، نحوه و کیفیت این اختلال و آثار و لوازم آن بسیار زیاد و گسترده است که باید به تفصیل و تفکیک مورد بحث قرار گیرد.

#### د. تکنولوژی و اختلال در نظام احسن

درباره علم و تکنولوژی و تعارض آن با اهداف و برنامه‌های شرایع از هنگامه پیدایش، مباحث مهمی مطرح بوده است. کسانی اساساً مسیر حرکت علم را مسیری

انحرافی و در تضاد و تقابل با اهداف و مقاصد و برنامه‌های شریعت معرفی کرده‌اند. در این نگاه، علم مدت‌هاست که از مسیر الهی و دینی خویش خارج شده و در تقابل با شریعت، معنویت، انسانیت، اخلاق و دینداری حرکت می‌کند (نصیری، ۱۳۸۸: ۹۰). پیشرفت افسار گسیخته و چشمگیر تکنولوژی در این نگرش، نوعی زمینه‌سازی برای سلطه و مسخ جهان و انسان، به نوعی ماشین است: «انسان دارای بُعدی ماشینی شده و ابعاد دیگر شخصیت او از بین رفته است. اخلاق، زبان، فرهنگ، هنر و عواطف، همه از حاکمیت تکنولوژی متأثر گردیده‌اند» (مارکوزه، ۱۳۶۲: ۲۶۴). در مقابل، عده‌ای هم ممکن است چنان تقدسی برای علم و تکنولوژی و دستاوردهای آن قائل باشند که آن را در افق الهی قابل پرستش، ستایش کنند: «بازرگان و روشنفکران و انقلابیون، اوایل دوره صنعتی، در واقع مسحور ماشین بودند و گویی ماشین هیپنوتیزم‌شان کرده بود» (تافلر، ۱۳۸۵: ۹۸).

نگاه اعتدالی آن است که ما پس از انتخاب هدف، مسیر و برنامه زندگی، از خدمات و ثمرات مثبت تکنولوژی به قدر ضرورت و تا آنجا که در خدمت اهداف دینی و آرمانی است، استفاده کنیم. در عین حال، با آسیب‌شناسی مداوم از آفات ویرانگر آن غافل نباشیم و در میزان استفاده از آنها، از افراط‌گرایی پرهیز نماییم.

### ۱. جهت‌داری و زمینه‌سازی برای اختلال

مانند خود صنعت و تکنولوژی، جهت‌دار بودن یا عقیم و خنثی بودن آن نیز محل بحث بوده است. آیا علم و تکنولوژی یا صنعت و هرگونه کشف قوانین عالم، که ابزار جدیدی برای فهم یا استفاده و استخدام جهان در اختیار بشر می‌گذارد، دارای جهت خاصی است، یعنی صرف ابتلاء به آن می‌تواند تغییری در مسیر، اهداف، عقاید، سبک زندگی و برنامه‌های انسان ایجاد کند یا جهت خاصی نداشته، بلکه شخص استفاده‌کننده و نحوه استفاده اوست که برای صنایع و تکنولوژی‌ها، جهت تعیین می‌کند.

در طرح نظام احسن، گفتیم که موجودات و اجزاء عالم تکوین، هر کدام جایگاه و خصوصیات ذاتی معینی دارند که مانند قوانین حاکم بر آنها، ثابت و لایتغیر است.

آنها بر اساس هدایت تکوینی، در مسیر کاملاً ثابت و مشخصی حرکت کرده و در موقعیت‌های مشابه، عمل یا عکس‌العمل مشخصی از خود بروز می‌دهند. مواد طبیعی در عالم، قوانین حاکم بر تألیف و ترکیب و اثرگذاری آنها، تحت پوشش همان نظام احسن و مبتنی بر علم مطلق الهی قرار دارند.

آهن، فولاد، هلیوم، اورانیوم و همه مواد عالم چنانکه می‌توانند در خدمت اهداف انسانی و اخلاقی و الهی قرار گیرند، به همان میزان می‌توانند در خدمت اهداف ضد انسانی و تخریب اخلاق، انسانیت، معنویت و سلامت و.. بکار روند. از این جهت، میان چاقوی جراحی و چاقوی جنایت و سلاح جهاد و سلاح ترور فرقی نیست. قدرتی که در مواد منفجره هست، می‌تواند سبب آبادانی و رفاه یا ویرانی و ناامنی باشد، امواجی که برای تعامل و ارتباط مفید و انتشار حقایق و معارف به کار گرفته می‌شوند، همان امواجی هستند که در جاسوسی و جنایت و نشر اکاذیب و فریب و فساد کاربرد دارند، خواص شیمیایی مواد دارویی، همان‌ها هستند که در بمب‌های شیمیایی استفاده می‌شوند و انرژی اتمی که کشتی‌ها را حرکت می‌دهد، همان است که تبدیل به بمب اتم می‌شود.

از این جهت، می‌توان گفت تکنولوژی فی حد ذاته، خنثی و بدون جهت است و اراده و نیت و نحوه استعمال فاعل است که آن را در مسیر خیر یا شر قرار می‌دهد. تلویزیون و ماهواره و موبایل و فضاهای ارتباطی مجازی، همه این قابلیت مثبت و منفی را در خود دارند، آنها علت تامه برای تعیین مسیر و اداره و مدیریت استفاده کنندگان خود نیستند و هرگز نمی‌توانند تصمیمی را بر کسی تحمیل نموده و او را وادار به انجام کاری کنند. انسان، آنها را آفریده و بر آنها اشراف دارد.

این مسأله تا حدودی درست است و با توجه به فاعلیت ارادی انسان، نمی‌توان صنعت یا تکنولوژی را به تحمیل اراده و الزام به جبر بر انسان‌ها محکوم کرد، چنانکه هیچ کدام از عوامل بیرونی نیز، چنین قدرتی ندارند. محیط، تربیت، ژنتیک، وراثت، آداب و رسوم، سنت‌ها، تقلیدها، تعصبات، آب و هوا، جغرافیا، تاریخ و صدها عامل دیگر، اگر چه در تکوین شخصیت جسمی و روحی انسان تأثیر دارند، اما هیچکدام انسان را به معنای واقعی مجبور به اقدامی نمی‌کنند. حلقه نهایی در تصمیم‌گیری و

اقدام انسان‌ها، همان قدرت ذاتی اراده است. تجربه و تاریخ نیز نشان داده که چگونه انسان توانسته است بر خلاف جریان همه این عوامل تصمیم بگیرد، اقدام کند و خود را از هزاران جبری که در اطراف او هستند رها نماید.

اما از یک نکته نباید غفلت کرد و آن، تفاوت استعداد و زمینه‌سازی در ابزار است. درست است که ابزارها از جهت تعیین تکلیف نهایی، مقهور اراده و قدرت تصمیم‌گیری انسان‌ها هستند. اما از نظر اعداد، استعداد، قابلیت و زمینه‌سازی یکسان نبوده و از این جهت، دارای جهت می‌باشند. یعنی قابلیت آن را دارند که نفس را به سمت خاصی رهنمون و اراده نفس را در مسیر خاصی تضعیف یا تشدید کنند. نفس انسان در مواجهه آنها، تحریک‌پذیری مشخصی پیدا می‌کند که در مقابل ابزارهای ساده‌تر، این حالت برای او پیدا نمی‌شود:

«خلاصه کلام درباره تکنولوژی اطلاعات... این است که که اطلاعات در پایان این سده، گرایش به ناتوان ساختن افراد و بی‌اثر کردن چیزها دارد» (بورگمان، ۱۳۸۸: ۲۵).

ابزارها از این جهت، مانند انسان‌ها هستند. انسان‌ها به حسب باطن، زمینه‌ها، قابلیت‌ها و استعدادها کاملاً متفاوتی دارند. یعنی همانگونه که گرایش‌ها و تمایلات انسان او را به جهت خاص و انتخاب خاصی رهنمون می‌کند، زمینه و استعداد موجود در برخی ابزارها هم می‌تواند تمایل و گرایش خاصی را تحریک کند. این جهت در انسان ناظر، به حیث فاعلی و در ابزار ناظر، به حیث قابل است. ما برای کسانی که میل فاعلی بیشتری برای ارتکاب برخی ناهنجاری‌ها را دارند، از واژه داوطلب جرم استفاده می‌کنیم. برخی ابزارها نیز چنین هستند، یعنی در تحریک و به فعلیت رساندن ابعاد مختلف در انسان، تأثیر زیادی دارند.

انسان‌ها از زمینه‌های بوجود آمده تأثیر می‌پذیرند. در این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری است که عوامل خارجی، از جمله تکنولوژی نقش جدی پیدا می‌کنند و از جهت این ایفای نقش متفاوتند. نمی‌توان گفت به همان اندازه که چاقو نسبت به قتل و جنایت و استفاده در جراحی یا آشپزخانه خنثی است، تکنولوژی ارتباط و فضای مجازی نیز چنین است. در تحریک و زمینه‌سازی میان آن ابزار ساده و این ابزار پیچیده، تفاوت وجود دارد. چاقو آن استعداد و قابلیت را ندارد که انسان را به استفاده نادرست تشویق



کند. یعنی، فراهم کردن زمینه برای جنایت در چاقو بسیار اندک است، لذا در طول قرن‌ها، همواره این ابزار با انسان همراه بوده و بارها تغییر شکل داده است، اما شکل رفتار انسان‌ها را به نحو عمومی و شایع مورد تأثیر قرار نداده است. چاقو در بازارهای عمومی در دسترس بوده و مورد خرید و فروش قرار گرفته، اما موارد استفاده نادرست و جنایت‌بار آن، همواره نادر و حداقلی بوده است. یعنی با افزایش چاقو، استفاده نادرست آن شیوع پیدا نکرده و فراگیر و حداکثری نشده است.

اما این سخن را، نمی‌توان دربارهٔ تکنولوژی ارتباطات و ابزاری چون فضای مجازی عنوان کرد. با توجه به مبانی و اهداف دینی که تعالی روحی انسان، آرمان نهایی خلقت به شمار می‌رود، در فضای مجازی استعداد و قابلیت بسیار بیشتری برای استفاده ناصحیح و ورود به ابعاد حیوانی و شهوانی و پست انسانی وجود دارد. انسان‌ها به ویژه قبل از تکمیل شخصیت دینی و قوت اراده، در برابر این ابزار به شدت آسیب‌پذیرند. نیروی جنسی و شهوانی و لذت‌جویی و تنوع‌طلبی و زیاده‌خواهی و سایر کشش‌ها، در غالب انسان‌ها قوی است و نمی‌توان ادعا کرد که غالب ما در همهٔ برهه‌ها و مقاطع سنی، از اراده و مقاومت لازم در برابر آنها برخورداریم:

«در رویکرد علم و تکنولوژی جدید... دخل و تصرف در حوزهٔ گرایش طبیعی انسان به جنس مخالف، به گونه‌ای عمل کرده است که نیاز به جنس مخالف از بین رفته و متعاقب آن، اخلاقیاتی که مبتنی بر جدایی جنس مذکر و مؤنث بوده، موضوعیت خود را از دست داده‌اند، چراکه اصلاً زوجیت، معنای سابق خود را ندارد» (دی‌وایکر، ۱۳۸۴: ۳۰).

از این رو در معارف دینی، به نقش زمینه‌ساز عوامل خارجی و پرهیز از آنها تأکید شده است. قرآن از نزدیک شدن به فضاهایی که زمینهٔ تحریک و بیداری بدون موقع قوا را فراهم می‌کنند، پرهیز داده است. چنانکه در مورد زنا، از تعبیر نزدیک نشدن به زنا سخن گفته، که شاید تعبیر دیگری از همان عوامل زمینه‌ساز باشد: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَةَ إِذْهَ كَانَتْ فَاِحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ (اسراء: ۳۲)، قرآن این دستور را نسبت به همه فواحش و بدی‌ها صادر کرده است: ﴿لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ﴾ (انعام: ۱۵۱). تعبیر اجتناب و تحذیر به جای ارتکاب و اقدام نیز، شاید از تعابیر لطیف قرآنی در این باره

باشد: ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ﴾ (شوری: ۳۷)، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾ (حجرات: ۱۲)، ﴿وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (نحل: ۳۶)، ﴿لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ (توبه: ۱۲۲).

پس نمی‌توان به نحو مطلق ادعا کرد که تکنولوژی و فضای مجازی، ابزاری خنثی است. ابزارها از جهت قابلیت متفاوتند و استفاده درست از آنها، به یک اندازه در اختیار انسان نیست. بلکه برخی ابزارها، زمینه استفاده نادرست از آنها غالب است. از این جهت، خرید و فروش ابزارهای قمار و آلات لهو و لعب و... اگر چه با استفاده صحیح حداقلی در شریعت اسلامی، حرام است.

## ۲. فضای مجازی و خانواده، نمونه مصداقی اختلال

در مباحث گذشته، درباره نظام احسن و ابتناء آن بر قسط و عدل سخن گفتیم و بیان کردیم که هرگونه جابجایی ساختاری و افراطی در اجزاء این نظام، خروج از وضع شایسته، اقدام بر خلاف مصالح و مفاسد واقعی و مصداق ظلم خواهد بود. همچنین گفتیم که این تعدی و ظلم، به حکم عقل و شرع ممنوع و حرام است. این تعدی، ابعاد مختلف و متعدّد دارد. یکی از آنها در عرصه تکنولوژی ارتباطات و فضاهای مجازی، عبور از حدّ و مرزهای طبیعی، خداداد و خدانهاد در جهان و انسان است. حدّ و مرزهایی که دست تکوین در نظام هستی نهاده و شریعت، خطوط حرکت در مسیر آن را مشخص کرده است: «در رویکرد علم و تکنولوژی جدید، انسان مثل خاک کوزه‌گری در دستان دانشمندان است و آنها، هرگونه دخل و تصرفی را در طبیعت بشری می‌کنند» (دی‌وایکر، ۱۳۸۴: ۳۰).

در ادامه برای خروج از فضای مباحث انتزاعی و مفهومی، به نحو مصداقی‌تر به اختلال فضای مجازی در ساختار طبیعی خانواده، در نظام احسن تکوین و تشریح پرداخته و با توجه به اینکه بخش عمده این احکام، قطعی و مبتنی بر مصالح و مفاسد واقعی است، نشان خواهیم داد که چگونه تکنولوژی ارتباط قادر است حدود و ثغور این احکام را جابجا نموده، در ساختار تکوینی و تشریحی ارائه شده توسط شارع خلل ایجاد کرده، سهولت عمل به این احکام را تهدید و اراده و قدرت بر تبعیت از آنها را تضعیف نماید:

«تکنولوژی در واقع، دیگر به عنوان محصول کوشش آگاهانه انسان.. به نظر نمی‌رسد، بلکه چیزی شبیه رشد زیستی نوع انسان است که ساختارهای فطری اندام‌های انسان در یک مقیاس رو به رشد، به محیط زندگی انسان تغییر شکل داده است» (آرنولد گلن، ۱۳۸۸: ۷).

در نظام تشریح دینی، خانواده کانون سلامت و سعادت فرد و اجتماع است و اسلام برای حدوث و بقای آن اهمیت فوق‌العاده قائل است. در همین راستا، این نظام تشریحی در حوزه روابط انسانی میان جنس مذکر و مؤنث، محدودیت‌هایی وضع نموده است. مبتنی بر اصل انطباق تکوین و تشریح، این قوانین به نحو دقیق بر حقایق تکوینی منطبق است و توسط آن پشتیبانی می‌شود. به هم زدن این رابطه دو سویه، مصالح و مفاسد موجود در آنها را زیر پا گذاشته و فرد و جامعه را از مسیر طبیعی و ساختار برتر جدا می‌کند.

اسلام، علی‌رغم ترغیب و تشویق به ارضای نیازها و لذت‌های طبیعی، به جهت حفظ مصالح بزرگ‌تر، با لذت‌گرایی افراطی مخالفت نموده (مصباح، ۱۳۸۰: ۱۶۷) و با حمایت از خانواده و تشریح ضوابط شرعی، روابط آزاد و بی‌حد و حصر را نفی کرده و ارضای آن را در چهار چوب قوانین، مشروع دانسته است. اهمیت این مصالح برای فرد و جامعه، به حدی است که گاه برای تخطی از این حدود، حدود و عقوبت‌های سخت مانند قتل و سنگسار در نظر گرفته است. از طرفی برای از بین بردن زمینه‌های انحراف و نافرمانی از این قوانین متعالی، برخی از عوامل خارجی زمینه‌ساز و محرک را نیز محدود کرده است.

برای مثال در فقه اسلامی، در حالت طبیعی نگاه شهوانی به نامحرم، حرام و سخن گفتن زن و مرد بیگانه بیش از میزان ضرورت و اضطرار ممنوع است و در حالت ریه، همان مقدار نیز جایز نیست. همچنین راه رفتن میان دو زن، نشستن در جایی که قبلاً زنی نشسته بوده (صدوق، ۱۴۰۴: ۳/۴۶۷)، معاشرت با زنان و بودن با زن نامحرم در فضای خلوت، مکروه است. اسلام، اجتماع زن و مرد نامحرم در مکان واحد را جایز ندانسته و شیطان را شریک، همدم و همنشین سوم آنها معرفی کرده است (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۴۲۲). به تعبیر قرآن، حتی زنان پیامبر نیز باید در سخن گفتن احتیاط کنند، تا

مریض قلبان طمع نوزند (احزاب: ۳۲). در فضای توصیه‌های اخلاقی و بیان حساسیت مسأله، مراتب عالی‌تری نیز معرفی شده است، چنانکه دختر پیامبر پوشش خود را در حضور مرد نابینا رعایت می‌کند و بهترین فضیلت زن را این می‌داند که مردی او را ندیده و او هم مردی را نبیند: «بهترین چیز برای زنان این است که مردی را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند» (مجلسی، بی‌تا: ۴۳/۸۴).

تبعیت از احکام شریعت در محدودیت روابط جنسی و عاطفی و پایبندی به خانواده، خانواده را به محیطی امن و آرام تبدیل می‌کند و محیط مناسبی برای فرزندان و تربیت نسل‌هایی که به سمت تکامل واقعی حرکت کنند، فراهم می‌آورد. سکونت و آرامش روحی در خانواده، ارضای نیازهای فطری مانند مادری و پدری، تأمین آینده مشترک و تضمین پشتوانه مالی و معنوی زوجین برای یکدیگر و در دراز مدت، همه از فوائد ازدواج سنتی و دینی است. اسلام، نیروهای تکوین و تشریح را برای حفظ این کانون حیات بخش بسیج کرده است. زنان در بیرون خانه، از آرایش نهی شدند تا مبادا در چشم مردان، از زنان خودشان بهتر جلوه کنند و گرما و حرارت کانون زندگی به خطر افتد. در عوض، تشویق شدند تا در خانه و برای شوهر آرایش کنند، تا هر مردی زن خود را هم‌طراز یا زیباتر از زنان بیرون ببیند. آنها از ورود غیر ضروری به محیط‌های اجتماعی نیز منع شده‌اند تا مردان، کمتر با زنان مختلف مراوده داشته باشند. پیامبر، کار بیرون را بر عهده مرد نهاده و زن را مسئول امور داخلی زندگی قرار می‌دهد: «کارهای داخل منزل با فاطمه علیها السلام و کارهای خارج از منزل با علی علیه السلام باشد» (مجلسی، بی‌تا: ۴۳/۸۱). امیرالمؤمنین علیه السلام، پرده‌نشینی را برای حفظ زنان و محیط جامعه مناسب‌تر تشخیص می‌دهد، این تعامل و قانونگذاری و مرزبندی، از حساسیت کشش‌های جنسی و پرهیز از زمینه‌سازی، بلکه برخورد با زمینه‌های تحریک بی‌موقع و خارج از حدود تکوینی و تشریحی خبر می‌دهد.

در حالت طبیعی، نظام تکوین در این حوزه‌ها با نظام تشریح هماهنگ است، به گونه‌ای که ساختار اولیه و فطری طبیعت، تحریک و تماس گسترده و سریع و زمینه‌سازی روابط جنسی را محدود کرده است. فطرت و طبیعت نسبت به برخی امور، نوعی حیا و شرم اولیه در نهاد زن و مرد نهاده است. ترس و احتیاط را که به تعبیر

امیرالمؤمنین علیه السلام، بیان افضل صفات زنان است (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴)، در طبیعت زن قرار داده تا طبیعت هم، هماهنگ با این قانون الهی به رسیدن به اهداف اصلی، یعنی آرامش و سکینه و حفظ و بقای خانواده کمک کرده باشد. حتی بکارت زنان را، مهری الهی بر سلامت و امانت الهی، یعنی عفت و حیای تکوینی قرار داده است. ارتباط زن و مرد نامحرم یا دختر و پسر در فضای طبیعی و سنتی دشوارتر است. فاصله‌های زمانی و مکانی، حجاب‌های ضخیم در این روابط تلقی می‌شوند. فضاهای اجتماعی، معمولاً کمتر فرصت خلوت‌های آن‌چنانی میان افراد پدید می‌آورد تا بتوانند با هم، انس جنسی و روحی و عاطفی پیدا کنند. برقراری پیوندهای جنسی و عاطفی، نیازمند مراوده طولانی است و در جامعه سنتی طبیعی و خدانهاد، چنین فضاهایی کمتر و دشوارتر به دست می‌آید. در این فضا، البته لذت‌گرایی فراطبیعی تعطیل است، اما مصالح بزرگ‌تری برای تعالی روحی فرد و جامعه و بقای نسل معنوی و سالم فراهم می‌شود. اسلام، دین لذت‌گرایی اعتدالی است و برای آرامش فرد و جامعه، اهمیت بیشتری از لذت قائل است.

اما تکنولوژی و فضای مجازی با ورود به این فضا، بیشتر آن معادلات را به هم زده است. تکنولوژی ارتباطات و فضاهای مجازی، آن فضا را مسخ کرده است. موانع و حجاب‌های طبیعی را رفع و ایجاد ارتباط و آشنایی و دوستی‌های جنسی را که در سبک زندگی سنتی دشوار بود، بسیار سهل کرده است. این امکانات، پرده‌ها و حجاب‌های ضخیم میان مذکر و مؤنث را برداشته و آنها را به هم نزدیک کرده، در اختیار و دسترس هم قرار داده و محیط‌های خلوت برای گفت و گوهای طولانی عشقی و جنسی فراهم آورده است. نرم افزارهای ارتباطی و ردیاب‌های ماهواره‌ای، به صورت خودکار و دائم، شرکای جنسی را به هم معرفی می‌کند. لحظه به لحظه، کسانی تمایل خود را برای ارتباط عشقی و جنسی به شما ابراز می‌کنند. تمام افرادی که مایل به رابطه جنسی با شما هستند و همه کسانی که شما مایل به ارتباط با آنها هستید، بدون مرز و با اراده‌ای جزئی می‌توانند شریک جنسی شما باشند:

«حرم‌سراهای مجازی مشترک بین کاربران، از ارمغان‌های تکنولوژی است که نتیجه‌ای جز تزلزل و حتی ویرانی اخلاق ندارد» (مطبع، ۱۸۶: ۱۳۹۶).

کافی است این فضا و میزان زمینه‌سازی آن در تحریک را، با آن فضای سنتی ادیان و آن قوانین شرعی که مطابق با همان فضا تدوین شده است، مقایسه کنیم تا نقش آن در تهدید و فروپاشی بنیان خانواده و پیمان زناشویی و سخت شدن عمل به قوانین شریعت، آشکار شود. بدون تعارف، در مقاطعی قوه جنسی و شهوانی بر انسان‌ها غالب است و شاید بتوان گفت که بیشتر دوستی‌ها در این دوره‌ها، معطوف به مسائل جنسی شکل می‌گیرد. معدود دوستی‌هایی است که بتوان ادعا کرد در راستای اهداف متعالی انسانی یا اخلاقی یا علمی و... شکل گرفته باشد. با این زمینه‌سازی فضاهای ارتباطی و در چنین فضایی است که محدودیت روابط جنسی و حرمت نگاه یا تکلم با نامحرم و استفاده طیب از آینه برای دیدن بدن بیمار، که برنامه مشروع دین است، دشوار جلوه می‌کند. با این تغییر روابط، وضعیت جدید تکوینی با نظام تشریح هماهنگ نیست، یعنی علم و تکنولوژی، نظام تکوین را به گونه‌ای تغییر داده که عمل کردن به دستورات شریعت را سخت و دشوار جلوه می‌دهد. این همان اختلال است که از حدود طراحی شده در تکوین تجاوز کرده و به ساختارهای شریعت و تکوین هجمه نموده و عمل به برنامه دین را دشوار کرده است.

به مدد فضاهای مجازی و وسائل ارتباطی که زمینه آشنایی و ارتباط راحت‌تر دو جنس را با هم فراهم می‌کند، ارضای غریزه جنسی بدون پرداختن هزینه‌های سنگین فراهم می‌شود. زن، به ارزانی و آسانی در بازار یافت می‌شود. مرد، زیر بار سنگین دردها و هزینه‌های زندگی دائم با یک زن نمی‌رود. موانع، موجود و مقتضی، مفقود است، تشکیل خانواده یا حفظ آن در این فضا توجیه ندارد. بسیاری ازدواج نمی‌کنند و از تأمین نیازهای فطری که به آنها اشاره کردیم، محروم می‌مانند. برای برخی، سن ازدواج به تأخیر می‌افتد. کسانی که دیر ازدواج می‌کنند، هرگز از توابع روابط آزاد جنسی که خارج از حوزه زندگی مشترک داشته‌اند، رها نخواهند شد. طرفین، ناخودآگاه با سوء ظن به هویت جنسی شریک خویش می‌نگرند. از طرفی، این ابزار ارتباطی اجازه نمی‌دهد که بتوان آثار و دنباله ارتباط‌های گذشته را به‌طور کلی محو کرد. خواه ناخواه و کم و بیش، برخی از آن حوادث گذشته در زندگی جدید او نیز رخنه کرده و مشکلات و مصائب دیگری به بار خواهد آورد، لذا ازدواج‌ها هم به سوی

ناکامی و طلاق می‌رود، آمار مطلقه‌ها و مجردها روز به روز بیشتر می‌شود و هیزم آن آتش اجتماعی فراهم‌تر می‌گردد: «تکنولوژی از دو قرن پیش که توسعه یافت، انسان را آحاد می‌نگریست و به ارتباطات خانواده بی‌مهر بود» (مطیع، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

از سوی دیگر، اگر چنین طرز فکری همگانی شود، حتی اگر بتوانیم با نگهداری دولتی از فرزندان مشترک که بدون ازدواج پدید آمده‌اند، اصل نسل انسان را حفظ کنیم، جامعه انسانی از جهات دیگری گرفتار بحران خواهد شد. دیگر نه آن فرزندان محروم از محیط خانواده و محبت پدر و مادر می‌توانند جامعه‌ای مثالی شکل دهند و نه انسان‌های جدای از هم، به سعادت دنیوی می‌رسند، بلکه معنای واقعی تناسل که بقای انسانیت است، تحقق نمی‌یابد. این‌ها را می‌توان مصداق اختلال جدی در نظام احسن خلقت دانست که حاصل همان وجه افراطی غلبه تکنولوژی ارتباطات است.

نظام تکوین و تشریح خواسته است که مرد و زن نه دوستان بهار هم، که همیشه در کنار هم باشند. با کم‌رنگ شدن ازدواج و رواج روابط آزاد، طبیعی است که امکانات و هزینه‌ها به مقطع سنی خاصی از زنان معطوف خواهد شد. بی‌شک مردانی که توانایی مالی و جنسی دارند، خواهان مقطع سنی خاصی از زنان و دختران هستند. در این وضعیت، همراهی و همکاری و نیازهای جسمی و روحی مردان و زنان مسن از چه راهی تأمین خواهد شد، زنان از یک مقطع سنی خاص به بعد که با رشد لذت‌جویی هر روز کمتر می‌شود، متقاضیان کمتر داشته و از حیث انتفاع خارج خواهند شد: «فردگرایی به شدت انسان را تک بُعدی می‌کند... به گونه‌ای که او تنها به امیال و شکم و شهوتش می‌اندیشد... چون {فردگرایی} یکی از پیش‌فرض‌های فناوری مدرن است، در اینجا نیز با دین ناسازگار می‌باشد» (مطیع، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

دین با معیار قرار دادن کرامت، شرافت و عزت ذاتی انسان‌ها خواسته است تا مردان و زنان تا آخرین لحظات عمر خویش به هم وفادار مانده و کانون خانواده را برای رشد فرزندان، تا آخر گرم و روشن نگهدارند. این پیوندهای اجتماعی، مسیر رشد و ترقی و انتقال تجربه و فرهنگ و تعالی و تکامل انسان و تحقق اهداف الهی نظام خانواده را که مصداق واقعی ابقای نسل است، فراهم می‌کند. وجه افراطی تکنولوژی ارتباطات، با ساختار شکنی در تکوین و تشریح، همه اینها را در معرض تضعیف زوال و نابودی قرار داده است.

استفاده افراطی از این فضا، از جهتی اصل کانون خانواده را تهدید می‌کند و از جهتی نیز، خانواده‌های موجود را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. استفاده ناسالم و نادرست از این ابزار، راه ارتباط و وساطت و رابطه‌های جدید را فراهم می‌کند. انسان، موجودی تنوع‌طلب و زیاده‌خواه است و چنانچه خواهش نفس را اجابت کرد، این زیاده‌خواهی به آلودگی بیشتر انجامیده و دامن مردان و زنان خانواده‌دار را نیز آلوده خواهد کرد. این آلودگی، اگرچه در حد ارتباطی محدود و مختصر باشد، با حساسیت زنانه و غیرت مردانه در فرهنگ دینی متعارض است و خود، راه جدال و نزاع و کشمکش و درگیری را باز می‌کند. خانواده، که کانون آرامش و سکونت نفس بود، به صحنه درگیری و خشونت تبدیل می‌شود. همدری و همکاری، جای خود را به انتقام‌جویی و کینه‌ورزی می‌دهد، زندگی غیر قابل تحمل می‌شود و به تلخی ادامه پیدا می‌کند یا از هم می‌پاشد.

اعتماد کاهش می‌یابد، زیرا اعتماد، اطمینان به عدم انحراف از مسیر است. اشخاص مادامی که به حرکت دیگران در مسیر درست اطمینان داشته باشند، به آنها اعتماد خواهند داشت و این مسأله به حسب ساده یا پیچیده بودن مسیر متفاوت است. عامل بی‌اعتمادی و انحراف از مسیر، گاه خباثت باطنی و گاه زمینه‌ها و عوامل بیرونی است. فضای مجازی، یکی از عوامل بیرونی این نفی تعادل است. اما بعد از ایجاد صفات نفسانی، عامل درونی انحراف و بی‌اعتمادی را نیز تقویت خواهد کرد. بی‌شک، وقتی ابزار و زمینه برای وصول به علایق و لذت‌ها هموار باشد، میدان برای تاخت و تاز قوه و همانی و وساوس شیطانی بیشتر باز خواهد شد:

«جادوی این فاوست جدید تکنولوژی است، تکنولوژی خود مولود این تصرف شیطانی در عالم وجود است» (آوینی، ۱۳۷۲: ۷۶).

چنانکه وجه دیگر این اختلال، اضطراب است. اساساً میزان اضطراب و استرس افراد به مقدار احتمال وقایع ناگوار بستگی دارد، اگر چه آنها هرگز رخ ندهند. انسان‌ها در توجه و اهمیت دادن به این احتمالات متفاوتند و از همین جهت نیز، در میزان آرامش و اضطراب با هم یکسان نیستند. درست است که ریشه برخی اضطراب‌ها، حساسیت و توجه بیش از حد به احتمالاتی است که منشأ عقلایی ندارد، اما نباید



عوامل واقعی مؤثر در کاهش یا افزایش یک احتمال را نادیده گرفت. این اضطراب، نقطه مقابل همان سکوتی است که قرآن، حکمت تشکیل خانواده می‌داند: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾ (روم: ۲۱). اگر این سکونت را از ارکان ساختار خانواده بدانیم، تکنولوژی فضاهای مجازی، از عوامل اختلال در این خلقت و افزایش دهنده نگرانی و اضطراب است. این فضا چنانکه گفتیم، امکان و احتمال آشنایی و دوستی مرد و زن را با دیگران افزایش می‌دهد. غیرت مردانه و حساسیت زنانه، با افزایش این امکان و احتمال شراکت شریک زندگی در احساسات و عواطف با دیگران تحریک شده و زمینه نگرانی و اضطرابی دو سویه در خانواده را پدید می‌آورد. با غلبه این فضا، مرد خانواده و خانواده مرد، دیگر آن سکونت و آرامش خداداد را نمی‌یابند، همین اتفاق با نسبت ضعیف‌تری نسبت به فرزندان هم وجود دارد. در فضای تربیت دینی، پدر و مادر نسبت به هم و نسبت به فرزندان احساس مسئولیت نموده و این نگرانی در فضاهای جدید شدید می‌شود: «متأسفانه جهان مدرن، بی‌رحمانه به حریم‌های خصوصی افراد وارد شده و به خصوص در دنیای مجازی، پرده‌داری را رواج داده است» (مطبع، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

وجه پایانی این تغییر اختلال‌آور، صعوبت بندگی است. در خلال این اختلال و به هم خوردن آن انطباق، دیگر برنامه شریعت با وضعیت جدید خود ساخته، که مصداق بارز تغییر در خلقت است، هماهنگ نیست. دنیای عینی، به گونه‌ای تغییر کرده است که عمل کردن به برنامه دین سخت شده است. طبق احکام شریعت، نگاه و سخن و پیام و رابطه با نامحرم ممنوع است، آرایش در بیرون حرام و حجاب و پوشش لازم است، خلوت و به اشتراک گذاری عواطف جایز نیست. در وضعیت نوپدید، عمل به احکام دین دشوار می‌نماید. اگر در دنیای عینی، زن‌ها نیمه‌عریان و آرایش کرده بیرون بیایند، کشش جنسی در نهایت شدت و تحریک موجود باشد و امکان دسترسی و ارتباط به مدد ابزارهای جدید فراهم گردد، دیگر عمل به آن قانون دشوار است. آن قانون، برای یک نظام عینی دیگر وضع شده بود، اکنون نظام عینی انسان و جهان تغییر کرده است. استعداد درونی و نیروهای نهفته نفسانی، به محرک‌های بیرونی پاسخ می‌دهند. ایجاد فضا و زمینه، این بُعد وجود را فعال و فعال‌تر می‌کند، انسان از شریعت

و محدودیت‌های آن عصبانی می‌شود، اعتراض و عصیان می‌کند، موقتاً یا برای همیشه، همه یا برخی از آن را رها می‌کند و همه اینها، نه به خاطر آن بود که آن شریعت خلاف فطرت است، بلکه به خاطر آن است که به جهت تغییر نظام ارتباطات در فضای مجازی، آن فطرت و شریعت، تطابق خود را با عینیت واقعی از دست داده است.

### نتیجه‌گیری

هدف اصلی مقاله، پاسخ به این مسأله بود که آیا با تبیین چیستی و ضرورت نظام احسن، می‌توان مبتنی بر مبانی و ادله قرآنی و به پشتوانه استدلال عقلی، وجه افراطی تکنولوژی ارتباط و فضای مجازی را از مصادیق اختلال در نظام احسن به شمار آورده و بر ممنوعیت و حرمت آن حکم کرد؟ مبانی و ادله چنین حکمی کدام است؟ آیا می‌توان نمونه‌ای مصداقی برای این اختلال ذکر کرد؟ در این مقاله، با روشی تحلیلی به بررسی این مسائل پرداخته و فرضیه‌های ذیل را اثبات نمودیم:

۱. در مقام تعریف و چیستی می‌توان برخی از ویژگی‌های نظام احسن را تبیین و نفی یا تضعیف آنها را اختلال در این نظام به شمار آورد.
  ۲. ضرورت نظام احسن را می‌توان با استدلال ائی و برهان لمی اثبات کرد.
  ۳. حرمت اختلال در نظام احسن با دلیل عقلی، عرفی و شرعی قابل اثبات است.
  ۴. با توجه به آثار مخرب و اختلال آور، وجه افراطی ارتباطات و فضای مجازی را می‌توان از مصادیق تغییر خلقت و اختلال نظام به حساب آورد.
  ۵. زمینه‌سازی و تحریک شدید، تزلزل بنیان خانواده، اختلال در تعهد زناشویی، ناکامی در تربیت نسل متعالی، صعوبت عمل به احکام دین، اضطراب و بی‌اعتمادی را می‌توان به عنوان نمونه‌ای مصداقی از اختلال ناشی از ارتباطات افراطی در فضای مجازی تلقی کرد که نقش عمده در نفی مقاصد و اهداف الهی در نظام تکوین و تشریح دارد.
- بدیهی است که با توسعه همین مبانی، ادله و روش‌ها، می‌توان مصادیق دیگری از اختلال جدی در حوزه محیط زیست، معماری، کشاورزی، خانواده و... را شناسایی و مورد بحث، داوری و حکم قرار داد.

## کتاب‌نامه

۱. ابن سینا، الاشارات و التنبیها، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵.
۲. \_\_\_\_\_، التعليقات، به اهتمام عبدالرحمن بدوی، قم، نشر البلاغه، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۳. \_\_\_\_\_، رسائل ابن سینا، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۰.
۴. استرآبادی، محمد جعفر، البراهین القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعة، انتشارات مکتب الاعلام الإسلامی، قم، ۱۳۸۲.
۵. استرآبادی، میر داماد، شارح النجاة فی أحكام العبادات، تحقیق سید محمد جواد جلالی، قم، انتشارات مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶.
۶. آرنولد گلن، تکنولوژی به عنوان پدیده‌ای فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره هشت، ۱۳۸۸.
۷. آوینی، مرتضی، فردایی دیگر، تهران، انتشارات برگ، ۱۳۷۲.
۸. بورگمان، آلبرت، گردش اطلاعات در دوران معاصر، ترجمه مهید ایرانی‌طلب، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره هشت، ۱۳۸۸.
۹. پستمن، نیل، زندگی در عیش مردن در خوشی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶.
۱۰. تافلر، الوین، موج سوم، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران، نشر علم، ۱۳۸۵.
۱۱. تبریزی، جواد، إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۶.
۱۲. جابری مقدم، مرتضی، شهر و مدرنیته، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۳. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق محمد صادق قمحای، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.
۱۴. حسن زاده آملی، حسن، شرح دفتر دل، شرح داوود صمدی آملی، قم، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۹.
۱۵. خرماهی، بهاء الدین، پیام پیامبر، تهران، انتشارات منفرد، ۱۳۷۶.
۱۶. دی وایکر، بنجامین، علم ایجاد دگرگونی در طبیعت انسان، سیاحت غرب، شماره ۳۰، ۱۳۸۴.
۱۷. سیزواری، ملا هادی، شرح المنظومه، تصحیح حسن زاده آملی، تهران، انتشارات نشر ناب، ۱۳۷۹.
۱۸. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم، انتشارات مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹.
۱۹. صدر المتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۲. طوسی، نصیر الدین، شرح الاشارات و التنبیها مع المحاکمات، قم، انتشارات نشر البلاغه، ۱۳۷۵.
۲۳. قتی، محمد مؤمن، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۵.
۲۴. مارکوزه، هربرت، انسان تک‌ساحتی، ترجمه محسن مؤیدی، تهران، انتشارات سپهر

۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، انتشارات اسلامیه، بی تا.
۲۶. محسنی قندهاری، محمد آصف، الفقه و مسائل طبیه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۲۸. \_\_\_\_\_، فلسفه اخلاق، قم، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱.
۲۹. \_\_\_\_\_، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
۳۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۳۱. مطیع، حسین، رابطه دین و فناوری، قم، نشر معارف، ۱۳۹۶.
۳۲. نراقی، احمد، رسائل و مسائل، انتشارات کنگره نراقیین، ۱۴۲۲.
۳۳. نصیری، مهدی، اسلام و تجدد، تهران، انتشارات کتاب صبح، ۱۳۸۸.
۳۴. نوزی، ملا عبدالله، لمعات الهیه، مقدمه جلال الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۱.